

بررسی چرایی تنوع‌یابی دین‌داری در جامعه ایرانی^۱

یاور عیوضی (نویسنده مسئول)^۲

محمدتقی دشتی^۳

چکیده

چه بخواهیم تنوع‌یابی دین‌داری را امری طبیعی و گوهری و چه اینکه آن را امری ثانوی و برساختی بپنداریم؛ مسئله‌مندی آن در یک جامعه و حاکمیت استوار بر دین بر کسی پوشیده نیست. افزایش شانس تضاد و واگرایی نزد گروه‌های متناسب به دین‌داری‌ها، تضعیف ملی‌گرایی، کاهش مشارکت اجتماعی مردم، ناکامی سیاست‌گذاری‌ها و... انبوهی از پیامدهای احتمالی تنوع‌یابی دین‌داری در جامعه‌ی ایرانی است؛ بنابراین فهم چرایی تنوع‌یابی و نمایاندن تجویزات معطوف به آن، بازدارنده‌ی آشفتگی‌ها در رویارویی با چالش شده و از سویی دیگر الگویی برای گسترش مطالعات تبیینی گونه‌شناسی دین‌داری پیش می‌نهد؛ چرا که برابر با بررسی‌ها، بیشتر پژوهش‌های دینی به توصیف و بازشکافی دین‌داری یا گونه‌های دین‌داری پرداخته‌اند و از پرداختن به چرایی تنوع‌یابی‌ها سست شده‌اند. از این رو پژوهش کنونی در پاسخ به این پرسش هماهنگ شده که چرا در جامعه ایرانی - حتی در فضا‌های دینی - با تنوع دین‌داری روبرو هستیم؟ جهت پاسخ به پرسش یاد شده، پژوهش کنونی از روش تحلیل مضمون و فن مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته نخبگان دانشگاهی و حوزوی بهره گرفته است. برآیندها نمایان‌گر آن است که هجده تبیین‌گر زیر، چهار مقوله‌ی سازمان‌دهنده در دو بُعد فراگیر با ایجاد تم مرکزی «حمایت‌گرهای تنوع‌یابی دین‌داری» به دوام و تشدید گوناگونی دین‌داری یاری می‌رسانند. نمایاندن راهبردها و راهکارها حول سیاست‌های چهارگانه از دیگر دستاوردهای پژوهش کنونی است.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، واگرایی، تحلیل مضمون، حمایت‌گرهای تنوع‌یابی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۹

۲. پژوهشگر گروه فرهنگ دین و فرهنگ دینی مرکز پژوهشی مبنا؛ Ya.eivazy@chmail.ir

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه و رئیس مرکز پژوهشی مبنا؛ Dashti@smhi.ir

بیان مسئله

دین نزد اندیشمندان علوم اجتماعی از نهادهای نخستین شمرده شده و برای جامعه بشری، امری ازلی و ابدی انگاشته می‌شود. به این معنا که فارغ از گوناگونی‌ها در زمان‌ها و مکان‌ها، دین به اشکال گوناگون در جهان زیستی انسان، آمادگی همیشگی داشته است. بررسی دگرگونی‌ها و تحولات بسیاری از جوامع، نشان‌گر حضور پررنگ دین همچون بخشی از این روندها بوده است. به راستی در هیچ دوره و زمانه‌ای نبوده که دین نقشی در زندگی بشر نداشته و گوشه‌ای از سرگرمی‌های ذهنی و عینی او را اشغال نکرده باشد. چنین چالشی از چنان ارزشی برخوردار بوده که امروزه دین‌پژوهی و مطالعات وابسته با دین و تجلیات آن در حوزه‌های گوناگون معرفتی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ بنابراین دین همچون یک راستی‌نگی فرازمانی و فرامکانی فارغ از گوناگونی درونی همواره در حیات بشری حضور داشته است. از این دیدگاه، هیچ انسانی نمی‌تواند بی‌چون و چرا خود را از گرایش دینی تهی کند. اگر کسی یا جریانی از یک دین گریز پیدا می‌کند، به راستی به دین دیگری پناه برده است (میثمی، ۱۳۷۹: ۴۰). جامعه‌ی ایرانی نیز همواره در نسبتی که با دین داشته، دچار دگرگونی شده است. با اینکه تصور می‌شد، دین با گذشت زمان کم‌رنگ نشده و در آستانه‌های ناهمگون اجتماعی و به شکلی تازه همچون بخش جدایی‌ناپذیر جوامع انسانی تلقی شده و ماندگاری یافته است؛ بنابراین دین و تجلیات آن مانند دین‌داری، در عرصه اجتماع، زنده و پویا بوده و با اینکه دگرگونی‌های عصری به مسیر خود ادامه می‌دهند؛ اما باید روشن‌گری کرد، زمانی که از گونه‌های دین‌داری در هر پژوهشی سخن به میان می‌آید، می‌توان گفت که پژوهش، این انگاره را برای خود روشن ساخته که دین‌داری برای امری انسانی - اجتماعی، واجد تکثر، تنوع و فارغ از دو قطبی دین‌دار یا بی‌دین بودن افراد است (هلامی^۱ و آرگیل^۲، ۱۹۷۷؛ نقل شده در حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴: ۹۹) و به راستی با «دین‌داری‌ها» و نه «دین‌داری» مواجهیم (شجاعی‌زند، ۱۳۹۱: ۱).

اگر دین را امر الهیاتی و قدسی در نظر بگیریم که طی فرآیند برون‌سازی، خارج از انسان سازمان‌مند شده، دین‌داری به سرشت و حالتی اشاره دارد که در نسبت بین کنشگر (یا انبوهی از کنشگران) با دین بر ساخت می‌شود؛ بنابراین قرائت و فهم مشابهی که انبوهی از افراد با جایگاه مشترک معنایی و اجتماعی نسبت به دین دارند، گونه‌ی جدا از دین‌داری را نمایش می‌دهند. به راستی دین‌داری به درک ویژه از دین وابسته می‌شود که می‌تواند به دامنه‌ای از گونه‌های دینی در درون یک دین انجامد. از این دیدگاه جامعه‌ی متکثر و گوناگون ایرانی به واسطه‌ی حضور دین، بیش از هر جامعه‌ای دستخوش گونه‌های ناهمسان دین‌داری است. هم‌راستا با چنین راستی‌نگی، چالش پژوهش کنونی، بررسی تبیینی

1. Hallahmi

2. Argyle

تنوع‌یابی دین‌داری نزد ایرانیان است.

در یک نگاه کلان پژوهش‌های وابسته به دین‌داری را می‌توان در دو پارادایم سنتی و جدید دسته‌بندی کنیم؛ پارادایم سنتی با تمرکز بر میزان دین‌داری و به واسطه‌ی آن پژوهش‌های کارکردی، پیامدی و تبیینی دین و دین‌داری مطرح بوده و سهم چشمگیری از پژوهش‌های دانشگاهی را به خود واگذار کرده؛ به گونه‌ای که دهه‌ها این پارادایم بر همگی مراکز پژوهشی و دانشگاهی چیره بوده است؛ اما پارادایم جدید، گرد گونه‌شناسی‌های دین‌داری و در نهایت سنجش کم و کیف آنها نزد جوامع ناهمگون آماری تمرکز دارد. در این پارادایم، محققان گوناگونی با فراگرفتن روش‌شناسی کیفی و لحاظ معیارها و ملاک‌های ناهمتا به احصای گونه‌های گوناگون دین‌داری پرداخته‌اند. جدول زیر به برخی از گونه‌های دین‌داری - که برای جامعه ایرانی بازگو یا تعمیم داده شده‌اند - پرداخته است.

برخی از گونه‌شناسی‌های دین‌داری ایرانیان

انواع دین‌داری	محقق
پایدار و مستحکم، مردد بین دین‌داری و بی‌دینی، جداشدگان از دین، غیردینداران	محدثی (۱۳۹۱)
دین‌داری نسلی، دین‌داری اخلاق‌مدارانه	اسدی (۱۳۹۰)
ابعاد تحول‌یافته دین‌داری جوانان	ترکمان دهنوی (۱۳۸۹)
ترکیبی، بریکولاژ، پسامدرن	فراست‌خواه (۱۳۸۶)
بازنگرانه	خسرو خاور (۲۰۰۷)
خصوصی، تکثرگرا، گزینش‌گر	توسلی و مرشدی (۱۳۸۵)
فردگرا	آروین (۱۳۸۴)
ترکیبی، مدرن	محمدی (۱۳۸۲)
قلب‌پاکان، اخلاق‌گرایانه، مدرن	بیابانی (۱۳۸۱)
بی‌شکل	آزاد آرمکی و غیاثوند (۱۳۸۱)
مؤمنان مسجد نرو، متناقض	سراج‌زاده (۱۳۷۸)
نهادینه شده (متعلقان)، غیر نهادینه (معتقدان)	نیکولت و ترسج (۲۰۰۹)
بریکولاژ	ساروگلو (۲۰۰۶)
ضعیف، بی‌تفاوت، شعائرگرا	مورو (۱۹۸۸)
دین نهادینه‌شده، دین اشاعه‌یافته	دایلر (۱۹۸۷)
تشیع علوی، تشیع صفوی	شریعتی
مصلحت‌اندیش، معرفت‌اندیش، تجربت‌اندیش	سروش
قرائت رسمی از دین، قرائت انسانی از دین	مجتهد شبستری
بنیادگرا، تجددگرا، سنت‌گرا	ملکیان
سنتی، سنت‌گرایانه، بنیادگرایانه، نواندیشانه	کدیور
سکولار، تجددگرایی اسلامی، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی، سنت‌گرایی جدید	ویلیام شپرد
انجمنی، جماعتی	لنسکی (۱۹۶۳)



انواع دین‌داری	محقق
رسمی حکومتی، سکولار، متجددانه، ترکیبی، لائیک، شریعتمداران، عامیانه	زارع (۱۳۹۱)
انحصارگرا، شمول‌گرا، کثرت‌گرا	جان هیک
خودکامه، انسان‌گرا	اریک فروم
برون‌گرا (نهادی)، درون‌گرا (شخصی)	آپورت
سنتی، مدرن	پارسا
دین‌داری خودمرجع	حسن پور و معمار (۱۳۹۴)

اما پژوهش کنونی با گذار از چنین دغدغه‌ای با مفروض انگاشتن کیفیات دین‌داری، تلاش دارد به تبیین چنین راستینگی بپردازد. به راستی، اساسی‌ترین چالش پژوهش کنونی، پاسخ به این پرسش است که چرا دین‌داری تا این اندازه در جامعه ایرانی دور و گونه‌گون شده است؟ از این رو، تمرکز بر شناخت، آفرینش و تقویت گوناگونی دین‌داری در جهان فرهنگی ایرانیان، نگرانی نادیده انگاشته شده‌ای است که راهبردها و راهکارهای بازگشت به خود می‌طلبد. پژوهش کنونی می‌کوشد تا فارغ از جهت‌گیری‌ها و قضاوت‌های مشارکت‌کنندگان، به درکی روشن از جایگاه موجود و بستر پدیدآورنده‌ی آن دست یابد تا از رهگذر چنین فرآیندی پیشنهادهایی را نیز به ما بنمایاند.

چارچوب نظری

دین‌داری حالتی است که در نسبت بین انسان و دین بر ساخت می‌شود؛ بنابراین دین‌داری معطوف به نگرش‌ها، طرز تلقی‌ها و ترجیحات معطوف به دین است. وجود چنین انگاره‌ای، بایستگی بحث و بررسی آن دسته از تئوری‌هایی که به نسبت بین جایگاه‌های گوناگون اجتماعی و معرفت توجه دارند، پرداخت شود. از این دیدگاه رویکردهای نظری جامعه‌شناسی معرفت برجسته انگاشته می‌شود. چالش هسته‌ای جامعه‌شناسی معرفت چالش «تعین اجتماعی معرفت» گرچه با تعبیر گوناگون است. منظور از «تعین اجتماعی معرفت» این است که خاستگاه، سرآغاز و یا نماد ایده‌ها، افکار، ذهنیت‌ها، نظریه‌ها و نظام‌های معرفتی [چون دین]، جامعه است. به بیان دیگر، معرفت در چارچوب‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و به پارامترها و واقعیت‌های اجتماعی وابسته‌اند؛ و این چالش مشغولیت مهم ذهنی مکاتب فلسفی و نظری بوده و محافل فکری هگلی، نیچه‌ای و مارکسی بیشتر رویکردهای تاریخ‌گرایی^۱ و نسبیت‌گرایی^۲ را در پیوستگی با آن به کار گرفته‌اند. با درنگریستن تنگناها و گنجایش هر کدام از نحله‌های یاد شده، مبنای نظری پژوهش کنونی از تفسیرگرایی، کنش‌گرایی و نسبیت‌گرایی تغذیه خواهد کرد:

تفسیرها و تنوع‌یابی‌ها: هرمنوتیک به معنای هنر تفسیر یا علم تفسیر است. در باب هرمنوتیک یا

1. Historicism
2. Relativism



علم تفسیر، روی هم رفته دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی از این دیدگاه‌ها از آن شلایر ماخر (و با کمی اغماض ویلهم دیلتای) است. او بر آن است که فهم و تفسیر، دوباره تجربه کردن و بازسازی کارهای ذهنی گردآورنده‌ی متن است؛ یعنی مفسر از راه متن می‌کوشد به نیت‌ها و مقاصد نویسنده آگاهی یابد. دیدگاه دوم از آن هایدگر و گادامر است. این دو فیلسوف برآنند که فهم و گزاره، مستلزم انگاره است و از اساس گزاره‌ی بدون انگاره شدنی نیست و همچنین آنان بر این باورند که گزاره‌ی یقینی از متن وجود ندارد. حتی گادامر تصریح می‌کند که جستجوی فهم بدون انگاره بیهوده است. به نظر او گزاره، مستلزم ترکیب افق‌هاست؛^۱ یعنی افق‌های گذشته و کنونی یا افق فهم مفسر و افق متن. افق مفسر در مواجهه با اشیا و متن، همیشه تعدیل می‌شود؛ اما هیچ تفسیر عینی و پایانی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم دل‌آسوده باشیم که گزاره‌ی ما درست‌تر یا بهتر از گزاره‌های پیشین است، گزاره‌ها و داوری‌های ما درباره گزاره‌های گذشته، فراروی تجدیدنظر و بازنگری آینده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۸). محمد مجتهد شبستری تحت تأثیر این گونه نگرش تفسیری، آن را درباره متون دینی اسلامی، از جمله قرآن مطرح ساخته است. بر اساس چنین دیدگاهی چنین بازگو می‌شود که در عالم انسان، راستینگی به نام قرائت قطعی الانطباق نداریم، همه قرائت‌ها ظنی و اجتهادی است و همواره پیدایی قرائت‌های جدید امکان دارد و از جهت منطقی، هیچ مانعی برای آن وجود ندارد (شبستری، ۱۳۸۱: ۲۴۷). وی در تعبیر دیگری می‌گوید: مسلمات دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ به ما می‌گوید: فهم و تفسیر هیچ متن دینی و بازسازی هیچ رخداد تاریخی، بدون پیش‌فهم‌ها و انگاره‌ها و انتظارات و دلبستگی‌ها ممکن نیست (همان). برآیند اینکه نقش تجارب، آگاهی‌ها و در پایان جهان‌حیاتی فرد در گزاره‌ها بسیار شایسته‌ی ارزش است و این گرایش تفسیری می‌تواند یکی از سرچشمه‌های تنوع‌یابی در دین‌داری‌ها باشد.

نسبت‌گرایی عین و ذهن: همسو با آرای مارکس مانهایم نیز آگاهی را برونداد «موقعیت» یعنی وابسته به انبوهی از شرایط و اوضاع اجتماعی و تاریخی می‌داند. انگاره‌ی «نسبت‌گرایی»^۲ مانهایم بیان‌گر این درستی است که بیش به جایگاه‌های ویژه‌ی تاریخی و اجتماعی وابسته است و از مرز آن در نمی‌گذرد. هر جایگاهی سرشتی ویژه‌ی خود و یگانه دارد و شناخت از این جایگاه زاده می‌شود و پیرامون همین شرایط و جایگاه «حقیقی» است. به همان نسبت نیز، «یگانه»^۳ وابسته به زمان و مکان خود و نسبی است. مانهایم، از اساس به راستینگی پیش‌گزارده‌ها نمی‌پردازد. راستینگی یا حقیقت در نظر او، بیشتر صفت راستینگی است تا صفت سخن استدلالی. از دیدگاه وی راستینگی معطوف به

1. Fusion of horizons
2. Relationism
3. Unique



جایگاه، بایستی به جای راستینگی به نفس قرار گیرد. از این دیدگاه، بازگویی هر «حقیقت» درباره‌ی جهان اجتماعی، با منافع و علائق فردی و گروهی تماس پیدا می‌کند. برای شناسنده (سوژه یا عامل) در جریان تجربه، هنگامی چیز خارجی (ابژه) به ظهور می‌آید که نفع و رغبت شناسنده در کانون آن جنبه‌ی ویژه از جهان تمرکز پذیرد. جستارهای فیزیکی می‌توانند بی‌چون و چرا از راه برون شناخته شوند، در حالی که فرآیندهای معنوی و اجتماعی، تنها از راه درون شناخته توانند شد. بدین‌سان است که می‌توان ژرف‌بینی^۱ را همچون هسته‌ی دانش اجتماعی به شمار آورد. با بودن در درون نمود مورد مشاهده، یا با «درون‌نگری همدلانه»^۲ می‌شود به آن دانش رسید (مانهایم، ۱۳۵۵: ۱-۱۰).

انگاری اصلی جامعه‌شناسی شناخت مانهایم این است که وجوه اندیشه‌ای تا زمانی که خاستگاه اجتماعی‌شان در پرده‌ی ابهام باقی باشند، چنانچه باید و شاید مورد فهم قرار نتوانند گرفت. این روش در بررسی خود از فرد واحد و اندیشیدن او آغاز نمی‌کند تا سپس آشکارا به اسلوب فیلسوف و بلندی‌های انتزاعی «اندیشه او چون اندیشه» دسترسی یابد؛ بلکه بیشتر جستجوگر است تا اندیشه را در زمینه‌ی انضمامی جایگاه تاریخی - اجتماعی که اندیشه‌های گوناگون فردی تنها به شیوه‌ای بسیار آرام و گام به گام از آن سرچشمه می‌گیرند، درک کند (ساجی، ۱۳۸۹: ۱۲). پس روی هم رفته این انسان‌ها نیستند که می‌اندیشند، یا حتی افراد جدا از یکدیگر نیستند که به کار اندیشیدن می‌پردازند؛ بلکه آدمیانی قرار گرفته در گروه‌های معینی هستند که در یک سلسله پاسخ‌های بی‌پایان به برخی شرایط و موقعیت‌های نوعی که وضع و مقام مشترک آنها را بازمی‌شناسد، سبک ویژه‌ای از اندیشه را کمال بخشیده‌اند. گفتن اینکه فرد واحد می‌اندیشد، نادرست است. درست آن است که گمان کنیم، او در اندیشیدن به آنچه دیگران پیش از او اندیشه کرده‌اند، شرکت دارد. وی خود را در جایگاهی موروثی می‌یابد با انگاره‌های اندیشگی متناسب با این جایگاه (همان: ۲۳).

ذهن، خود و جامعه: کتاب هربرت مید با عنوان «ذهن، خود و جامعه» آینه تمام‌نمای درونمایه‌ی این نحله‌ی فکری است. هم‌سو با آرای این انگاره، افراد در پیوند با یکدیگر عمل می‌کنند و مایه‌ی ساختن عمل یکدیگر می‌شوند. از این دیدگاه «معنی» سراسر جنبه‌ی اجتماعی دارد و از راه تعامل در گروه‌های اجتماعی خلق و تداوم می‌یابد. در این انگاره فرهنگ، ساختاری واپسگرا نیست؛ بلکه فرآیندی مداوم از «شدن» است. در این راستا، نقش اداها، اطوارها، ژست‌ها، نمادها و برجسته‌تر از همه، زبان تأکید می‌شود. هربرت بلومر انگاره‌های اساسی کنش متقابل نمادین را بدین شیوه صورت‌بندی می‌کند:

(۱) عمل انسان‌ها نسبت به چیزها بر پایه معنایی است که چیزها برایشان دارند.

(۲) این معانی برون‌داد مبادله‌ی اجتماعی در جامعه انسانی است.

1. Insight

2. Sympathetic Introspection

۳) این معانی در جریان فرآیند مبادله جرح، تعدیل و اصلاح می‌شوند (توسلی، ۱۳۸۰). از این نگرش جامعه و هر آن چیزی که تحت عنوان نهادهای اجتماعی یاد می‌شود، پدیده‌هایی ارزیابی می‌شوند که از کنش متقابل بین افراد برمی‌آید؛ به گفته‌ای دیگر الگوهای ساخته شده‌ای از کنشگری‌های هماهنگ افراد است که از راه کنش متقابل نمادی در بین کنشگران پدید آمده، تداوم یافته و سرانجام دگرگون می‌شود (مطیع، ۱۳۷۰: ۳۱). به نظر مید، جامعه [و نهادهای آن مثل دین] چیزی بیشتر از یک سازمان اجتماعی نیستند که ذهن و خود در درون آن پدید می‌آید و به راستی، مقوله‌ای ته نشستی است. او جامعه را بیشتر همچون الگوهای کنش متقابل درمی‌نگرد. به همین سان، نهاد را نیز چیزی جز یک رشته واکنش‌های مشترک نمی‌انگارد. ارزش مفهوم مید از جامعه در این است که جامعه را مقدم بر فرد می‌داند و فراگردهای ذهنی را برخاسته از جامعه درمی‌نگرد (ریترز، ۱۳۸۹). از دیدگاه بلومر نیز جامعه از ساختارهای کلان ساخته نشده است. جوهر جامعه را باید در میان کنشگران و کنش آنها جستجو کرد: «جامعه‌ی بشری را باید مرکب از آدم‌های عمل‌کننده دانست و حیات جامعه را باید متشکل از کنش‌های انسان‌ها در نظر گرفت». جامعه بشری همان کنش است و زندگی گروهی به راستی «مجموعه‌ای از فعالیت‌های جاری» است. با این همه جامعه از مجموعه‌ای از عملکردهای جداگانه ساخته نشده است. کنشی جمعی نیز وجود دارد که افرادی را در برمی‌گیرد تا خطوط کنششان را با یکدیگر هماهنگ می‌کنند... از نگرگاه وی، انسان‌ها نه در چهارچوب ساختارهایی چون جامعه؛ بلکه در ایستارها عمل می‌کنند. ساختارهای پهن دامنه برای آن اهمیت دارند که ایستارهایی را که افراد در آنها عمل می‌کنند، شکل می‌دهند و کنشگران را به نمادهای ثابتی مجهز می‌سازند که آنها را قادر به عملکرد می‌کنند (انواری، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

به رغم تمایزات فکری رویکردهای سه‌گانه می‌توان وجه اشتراکی بین آنها در راستای تبیین تنوع‌یابی دین‌داری نمایاند. به این معنی که به رغم اهمیت جایگاه‌های اجتماعی، فهم و گزاره‌ی کنشگران نیز از ارزش دوچندانی برخوردار است. به درستی نظامات معنایی، زبان و الگوهای نگرشی در تعاطی با جایگاه‌های اجتماعی تبیین‌گر پرمسمن هستند؛ بنابراین، فهمی که افراد نسبت به منابع معنایی دین و دین‌داری، بدیل‌ها و روندها و دگرگونی‌ها دارند؛ سرآغاز تنوع‌یابی‌ها در الگوهای دین‌داری می‌باشند.

روش‌شناسی

با توجه به اینکه اساسی‌ترین چالش حاضر در پژوهش - بررسی چرایی تنوع‌یابی دین‌داری نزد ایرانیان - حدی از نوآوری و تازگی را در پژوهش‌های دینی دارد؛ بنابراین بهره‌گیری از رهیافت کیفی بایستگی می‌یابد. روش تحلیل مضمون^۱ همچون یکی از روش‌های پژوهش با رویکرد کیفی شمرده



می‌شود که در پی کشف معانی و مقاصد پنهان با بهره‌گیری از فن دسته‌بندی و مقوله‌بندی است. درونمایه‌ی تم (Theme) عنصر کلیدی در این روش است. مضمون‌ها پرارزش‌ترین واحدهایی هستند که در واکاوی درونمایه باید درنگ‌ریسته شوند و منظور از مضامین معنای ویژه‌ای است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف دریافت می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، واکاوی و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای کاوش داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون، تنها روش کیفی ویژه‌ای نیست؛ بلکه فرآیندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. عابدی و همکاران فرآیند انجام تحلیل مضمون را بدین شیوه صورت‌بندی می‌کنند.

فرآیند انجام تحلیل مضمون

مرحله	آشنا شدن با متن	اقدام
موشکافی و توصیف متن	آشنا شدن با متن	مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) بررسی اولیه و بررسی دوباره‌ی داده‌ها نوشتن ایده‌های اولیه
	ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	پیشنهاد چارچوب کدگذاری و آماده‌سازی چارچوب مضامین تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	جستجو و شناخت مضامین	برابرسنجی کدها با چارچوب مضامین برون‌آوری مضامین از بخش‌های کد گذاشته متن پالایش و بازبینی مضامین
تشریح و تفسیر متن	ترسیم شبکه مضامین	بررسی و واریسی همخوانی مضامین با کدهای مستخرج سامان دادن مضامین انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ترسیم نقشه‌ی مضامین اصلاح و تأیید شبکه‌ی مضامین
	تحلیل شبکه مضامین	تعریف و نام‌گذاری مضامین توصیف و توضیح شبکه‌ی مضامین
ترکیب و ادغام متن	تدوین گزارش	تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها وابسته کردن برآیند تحلیل با پرسش‌های تحقیق و مبنای نظری نوشتن گزارش علمی و تخصصی از واکاوی‌ها

ابزارهای به کارگیری شده در این شیوه پژوهش، قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین است که به گونه‌ی معمول در تحلیل مضمون بکار می‌روند. قالب مضامین فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی بازگو می‌کند و منظور از شبکه مضمون، منظم‌سازی مضامین اساسی (کدهای کلیدی و نکات

کلیدی متن) و سازمان‌دهی مضامین (دسته‌بندی مقولات و مضامین برآمده از ترکیب زیرمقولات) است. نقشه‌ای شبیه تارنما به مانند اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). به عبارتی ترسیم نقشه‌ی مضامین و تصویرسازی پیوندهای بین آنهاست. جهت واکاوی و ترسیم شبکه مضامین می‌توان از نرم‌افزارهای گوناگون کیفی بهره برد که در گزارش حاضر از نرم‌افزار MAXQDA به کار رفته است. سازوکار کدگذاری در نرم‌افزار از همان منطق کدگذاری دستی بهره می‌برد؛ بنابراین گمانه‌ی خطای ناشی از کدگذاری بین برآیند برآمده از کدگذاری دستی و نرم‌افزار موضوعیت نیافت و از سوی دیگر برای سنجش اعتبار پژوهش از روش آزمون- بازآزمون بهره گرفته و در سنجش برآیند این دو کدگذاری با بهره‌گیری از روش هولستی برآورد شد و با توجه به اینکه توافق کدگذاری به گونه‌ای متعارف بالای هفتاد درصد قابل اتکاست؛ عدد به دست آمده (۹۱)، پذیرفتنی تلقی می‌شود.

$$PAO = \frac{2M}{n1+n2} = 2 * \frac{114}{125+125} = 0/91$$

واحدهای تحلیل در این پژوهش، نخبگان دانشگاهی و حوزوی در پیوند با «معیارهای درون‌گنجی»^۱ پژوهش می‌باشند. جمع‌آوری اطلاعات با بهره‌گیری از فن مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته بوده که در پایان با بهره‌گیری از Max Maps و امکانات بصری همچون نمودارها و جداول واکاوی و نمایان شده‌اند. شیوه‌ی نمونه‌گیری هم به اقتضای روش پژوهش کیفی از گونه‌ی «نمونه‌گیری نظری» است؛ به این معنا که نمونه‌ها به فراخور نیازهای پژوهشی تا جایی که یافته‌ها به حد اشباع برسند، به صورت هدفمند انتخاب و بررسی می‌شوند. جامعه‌ی نمونه در پژوهش کنونی به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آقایان/ خانم‌ها اورعی، بستان، بهروزلک، بیگی، پویافر، داداشی‌آذر، دشتی، ذوالفقاری، رحمانی، سراج‌زاده، شرف‌الدین، صادق‌نیا، فتحی، کلاهی، محدثی، میرسندسی و نجاتی حسینی.

یافته‌های پژوهش

بخش کنونی با این نگرانی طرح‌ریزی شده که چه علل و سازه‌هایی بر تقویت گوناگونی‌ها در گستره‌ی دین‌داری اثرگذارند؟ جهت پاسخگویی به این پرسش بنیادین، متناسب با ماهیت رویکرد کیفی و لحاظ اقتضائات روشی تحلیل مضمون، دستیابی به داده‌ها از مسیر استقرا دنبال شده است. مراحل زیر گویای فرآیند یاد شده است:

• گام نخست

مصادیق و گزاره‌های احصا شده (از مصاحبه‌ها) به کدهای اولیه تبدیل می‌شوند. در راستای پرهیز

۱. اهلیت و صلاحیت متناسب با پرسمان

از اطناب و رعایت اختصار تنها به دستاورد این مرحله (کدهای اولیه) اکتفا خواهد شد. در این مرحله ۲۹۰ گزاره و مصداق با محتوای تبیینی در ۱۲۹ مفهوم مُناظر کدگذاری شدند.

• گام دوم

کدهای اولیه بر مبنای تمایزات و تشابهات درونی به «مضامین پایه» دگرگون می‌شوند. طی چنین فرآیندی ۱۲۹ کد اولیه ذیل هجده مضمون پایه صورت‌بندی شدند.

• گام سوم

مضامین پایه در یک سطح انتزاع بالاتر بر مبنای مشابهت‌ها و تمایزات زیر «مضامین سازمان‌دهنده» دسته‌بندی می‌شوند؛ به گونه‌ای که هجده مضمون پایه به چهار مضمون سازمان‌دهنده کاهش داده شدند.

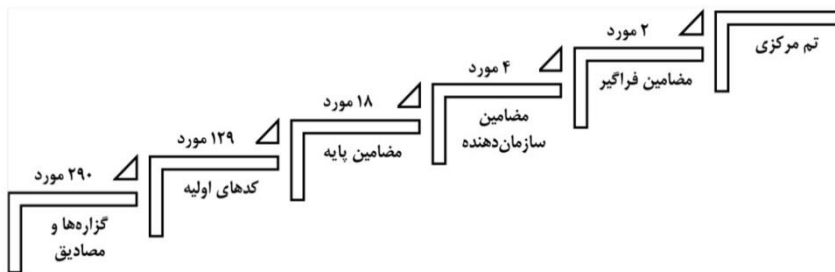
• گام چهارم

مضامین سازمان‌دهنده بر مبنای همان منطق، ابعاد تئوری را زیر نام «مضامین فراگیر» شکل می‌دهند. وفق چنین ضرورتی چهار مضمون سازمان‌دهنده زیر دو مضمون فراگیر قرار گرفتند و ابعاد تئوری را شکل دادند.

• گام پنجم

انتخاب «تم مرکزی» زیر نام نظریه‌ی تبیین‌گر با لحاظ دامنه‌ی محتوایی مضامین فراگیر است.

مسیر حصول به تم مرکزی



بنابراین برای اینکه صورت‌بندی منظمی از علل و سازه‌ها ارائه شود؛ ناگزیر به تبدیل متون و مصادیق مصاحبه‌ها به مفاهیم مُناظر و در پایان نمایاندن روایتی کلی از فضای تبیینی «تنوع‌یابی دین‌داری ایرانیان» با بهره‌گیری از مضامین هستیم.

در جدول زیر یافته‌های وابسته به استخراج کدها و مضامین (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) طرح شده است. همچنان که اشاره شد، بخش یافته‌های تبیینی، در راستای رعایت اختصار و محدودیت‌های پژوهش، نقطه سرآغاز را «کدهای اولیه» قرار داده و از یادآوری مصادیق و گزاره‌های معطوف به کدها پرهیز کرده است.



کدها و مضامین تنوع دین‌داری ایرانیان

مضامین فراگیر (ابعاد تنوری)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای اولیه
ساختاری- کارکردی	نقش و کارنامه بدیل‌ها	اثر دستکاری دشمنان (۸ فراوانی)	تبلیغ اسلام منهای روحانیت پروژه جداسازی دین‌داران از منشأ سنتی کسب معرفت تخریب روحانیت ترویج دین‌داری انحرافی و خنثی زیر سؤال بردن ساختار سیاسی منبعث از قرائت سیاسی از دین تحریم‌های ظالمانه در راستای ایجاد فشار به دولت دینی و ایجاد نارضایتی اجتماعی حمایت رسانه‌ای از جریان‌های تبلیغی مخالفان
		نظام تربیتی سکولار (۵ فراوانی)	نظام تربیتی سکولار علوم انسانی غربی در مراکز علمی و فرهنگی فضادهی به شیوع تفکرات فمینیستی اصالت تفکرات مبتنی بر سکولاریسم، امانیسم و پوزیتیویسم اثر رویکردهای انتقادی روشنفکران دینی به قرائت‌های دینی
		جریان مداح‌محوری (۸ فراوانی)	ترغیب به واگرایی و نفرت طرح مطالب غیر مستند، خام، حساس و بدون مبنا اصالت‌یابی گریه و شیون به جای تفکر و شعور رواج‌یابی شیوه‌های نامتعارف عزاداری چیرگی صورت‌گرایی بر محتواگرایی در فضای دینی دامن زدن به پیوند مرید و مرادی
		نقش اشخاص و گروه‌های مذهبی ناهمسو با انقلاب (۵ فراوانی)	مرتبط‌سازی آسیب‌ها و ناکارآمدی‌ها با گفتمان دولت دینی افراط در خوانش‌ها و روایت‌سازی‌ها از وقایع دامن زدن به دوگانگی‌های مذهبی گسترش ناتوانی دین در مدیریت جامعه
		توانایی پاسخگویی رقیب قرائت رسمی به نیازها و مطالبات (۵ فراوانی)	میزان توسعه‌ی علم و میزان پاسخگویی به نیازها جذاب‌سازی‌های مناسکی، محتوایی و روشی به دست بدیل‌های دینی
		ناکامی جامعه صنعتی در پاسخ به نیازهای دینی (۴ فراوانی)	پیدایی ابهام و بحران معنویت و معنا



کدهای اولیه	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر (ابعاد تنوری)
نداشتن استراتژی فعالانه در قبال حمله‌ها شیوهی مبتنی بر تحکم و اجبار (با مرتبطسازی به پاداش‌ها و قواعد اداری) تولید انتظارات افراطی از توانایی دین برای مدیریت جامعه تقابل افکنی با علم و علم‌گرایان توسعه‌ی امر قدسی به حوزه‌های غیر قدسی (مثل حوزه سیاست) بازنمایی مناسکی از دین توسط رسانه‌ها جهل معرفتی به دین تقابل افکنی بین برخی سنت‌های ملی و دینی افراط در عزاداری‌ها و کم‌توجهی به اعیاد و مناسک نگاه نامتوازن و برجسته‌سازی برخی ارزش‌ها و هنجارهای دینی سستی در بهره‌گیری از ابزارهای امروزی تبلیغی ناهمخوانی سبک دین‌داری القایی با سبک زندگی مردم فقدان توان دین رسمی در معنابخشی جهان جدید تکیه زدن دین‌داری رسمی به اریکه قدرت عدم لحاظ اقتضائات و نیازهای مخاطبان الگوی جامعه‌پذیری انحرافی و ناقص نوع مواجهه سازه‌های گفتمان‌های دینی با چالش‌ها و مسائل مستحدثه	الگوهای تبلیغ و تربیت معیوب (۳۰ فراوانی)	مدیریت دینی ناکارآمد	
تأخر روشی روحانیت و بسندگی به فنون سنتی تأخر محتوایی فقه از جامعه طرح مباحث فقهی کهنه ناتوانی در پاسخگویی به نیازها و مطالبات عصری عدم کنشگری روحانیت در عرصه‌های گوناگون کم‌توانی روحانیت در گفتمان‌سازی جدید متناسب با شرایط کاهش موقعیت روحانیت انشعابات درونی روحانیت و چگونگی مواجهه آنها با همدیگر تغییر اولویت‌های روحانیت و دوری از رسالت خویش	برخی از ناکارآمدی‌های روحانیت (۱۷ فراوانی)		



کدهای اولیه	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر (ابعاد تنوری)
<p>دوری ساختار دین (منابع، روش، مدیریت و ساختار نهادها و ...) از چالش‌های جامعه</p> <p>عدم بروزرسانی محتوای آموزش‌ها</p> <p>عملکرد معیوب در پیوند با تربیت مروج دینی</p> <p>غفلت از رویکرد قرآن‌محوری در فقاقت</p> <p>اولویت‌های پژوهشی غیرکاربردی در گستره‌ی دین</p> <p>تشتت بین جریان رسمی و غیررسمی تبلیغ دین در اهداف و محتواها</p> <p>عدم نمایاندن تصویر درست از دین‌داری به دست رسانه‌ها</p> <p>تعدد سازمان‌های متولی امور دین‌داری</p> <p>نبود طرح و برنامه‌ی جامع دینی</p> <p>شخص‌محوری برنامه‌ها و استراتژی‌های نظام تبلیغ</p> <p>موازی‌کاری سازمان‌های متولی و مسئولیت‌ناپذیری آنها در قبال وظایف محوله</p> <p>تأخر مدیریت مذهبی حوزه از جامعه</p> <p>نامشخص بودن استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان فرهنگی</p>	<p>ساختار دینی ناکارآمد (۱۸ فراوانی)</p>		
<p>عملکردی نبودن کنشگری‌ها و سنجش کنشگری‌ها</p> <p>سیاست دینی نمایشی و صورت‌گرا (در بعد برنامه و نظارت)</p> <p>توجه صرف به کثرت و عظمت مناسک و نشانگان دینی (مثل شهر مملو از پرچم و نمادهای مذهبی)</p>	<p>میل به نمایش دین (۹ فراوانی)</p>		
<p>نگاه افراطی در اسلامی‌سازی علوم</p> <p>تبعیض علیه اقلیت‌ها</p> <p>غیررسمی انگاشتن سایر گونه‌های دین‌داری و در نتیجه سیاست حذف</p> <p>نگاه پدرمآبانه و متولی به دین توسط دولت</p> <p>زمینه‌سازی ساختاری برای ظلم و فساد برای طرفداران دین‌داری رسمی</p> <p>بی‌توجهی به فرهنگ ایرانی در هویت‌سازی ملی</p> <p>بی‌توجهی به قانون به دست برخی از گروه‌های حامی گونه رسمی دین‌داری</p> <p>دستکاری سازه‌های امنیتی در حوزه علمیه</p> <p>سیاست حصارکشی داخلی و دشمن‌زایی</p> <p>حضور روحانیون با رویکرد انحصارگرایانه در پهنه‌ی قدرت</p> <p>تقویت جهان‌بینی انحصارگرایانه و عدم پذیرش آزادی عقیده</p> <p>نگاه امنیتی و سرکوب‌گرایانه به قرائت‌های دینی</p> <p>مرتبط ساختن منابع و سرمایه‌ها به گونه‌ی ویژه‌ای از دین‌داری</p>	<p>تمامیت‌خواهی برخی از نمایندگان گفتمان انقلاب (۳۵ فراوانی)</p>	<p>انقلاب و اثر شکل‌گیری دولت دینی</p>	<p>عارضی-اقتضایی</p>



مضامین فراگیر (ابعاد تنوری)	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کدهای اولیه
		ناکارآمدی دولت دینی در انجام برخی از مأموریت‌ها (۴۱ فراوانی)	ناکارآمدی نظام مدیریت فرهنگی و هدررفت سرمایه‌ها فضای ولنگارانه اقدامات و دعاوی دینی پایین بودن میزان موفقیت نظام در تعامل با مخالفان و منتقدان فربه شدن نهاد قدرت و دخالت در همه چیز پوپولیستی شدن نهادهای سیاسی و دینی چالش‌های اقتصادی-اجتماعی و مغفول ماندن آرمان‌ها سستی توجه به نیازهای فراغتی توده کم‌کاری نظام بروکراسی کشور عدم اصلاح قوانین و ساختارهای دینی متناسب با انتظارات سوءاستفاده‌ها و خطاهای مدعیان دین‌داری (دین‌داری سیاسی) انسداد نسبی و عدم چرخش نخبگان سیاسی عدم وفای مسئولان به وعده‌های خویش
		برخی از آثار عارضی وقوع انقلاب اسلامی برای گفتمان رسمی دین‌داری (۱۸ فراوانی)	در مظان انتقاد بودن نمایندگان گفتمان رسمی دین‌داری آلوده شدن دین و دین‌داری به ثروت و قدرت تبدیل گفتمان دین‌داری انقلابی به دین‌داری سیاسی جناح‌بندی سیاسی روحانیت پیدایش پدیده‌ی آقا‌زدگی و اشرافیت مدعیان دینی عدم خلاقیت و دستوری بودن برنامه‌ها و کنشگری‌ها فساد زیر درفش تبلیغ و توجیهات دینی اثر سوء دخالت مستقیم دین در توزیع سرمایه‌ها دولتی دیدن دین و نهادهای دینی توسط مردم شکل‌گیری بازار قرائت‌های دینی مخالف با قرائت رسمی
	اثرات عارضی	نقش آسیب‌های فرهنگی ایرانیان (۵ فراوانی)	موانع ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج افزایش بی‌رویه‌ی طلاق گسست میان‌نسلی فقر مطالعه ضعف فرهنگ گفتگو
روندهای فرهنگی-اجتماعی	متنوع بودن زمینه‌های هویت‌ساز (۱۸ فراوانی)	هویت‌های چندگانه قومی (تنوع بستر دین) شکاف‌های متعدد و آمیک بودن جامعه ایرانی افزایش سطح سواد جامعه با محوریت سواد سکولاریستی الگوهای توسعه‌ای چندگانه و وابسته با دین سیاست هویت‌غیردینی پهلوی رسوبات ناشی از تهاجمات تاریخی اقوام و ملل بیگانه به ایران	

مضامین فراگیر (ابعاد تنوری)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای اولیه
		اثر فرآیند جهانی‌شدن و ارتباطات میان‌فرهنگی (۱۳ فراوانی)	رشد فزاینده‌ی معنویت‌های نوظهور رؤیت‌پذیر شدن الگوی مناسکی و اثر اقتضایی رسانه‌ای شدن دین متنوع شدن منابع هنجارگذار اعتبارزدایی و دامن زدن به عدم قطعیت‌ها افزایش امکان خلاقیت مذهبی آشناسازی با قرائت‌ها و سبک‌های دین‌داری
		خلقیات منفی و تاریخی ایرانیان (۴ فراوانی)	باطن‌گرایی نقش پارامترهای منفی ایرانیان در تجلی منفی دین‌داری
		ترجیحات ارزشی و نگرشی جامعه (۲۷ فراوانی)	تجربه ناامنی مستمر و نیاز به بُعد عاطفی دین (دین‌داری عاطفی) ترجیحات ارزشی و انگیزشی پیرامون غرب‌گرایی ارزش‌گذاری حول حرافی و بیانات هیجانی عاملان دینی چربش عناصر منفی فرهنگ مدرنیته (چون عقلانیت ابزاری، تجربه‌گرایی، تردید، کثرت‌گرایی، روحیه کارکردگرایانه، سکولاریسم، رفاه‌طلبی و...) نگاه فرودستانه به نشانگان و زیست مؤمنانه (فشار اجتماعی و ترس از دین‌داری) فست‌فودی شدن زندگی (نیاز به پاسخ‌های سریع دینی) جذایب‌های جهان غرب و نگاه مثبت به کارنامه دین غربی تکثر و گوناگونی نظام ترجیحاتی افراد جامعه

برای شفاف‌سازی پیوند بین مضامین و ترسیم شبکه تبیینی از نرم‌افزار MAXQDA و فن بصری‌سازی شبکه (MAXMAPS) بهره گرفته شد. در این رویه از وارد کردن ۱۲۹ کد (مفاهیم مُناظر) به شبکه پرهیز و تلاش می‌شود شبکه در سطح مضامین (حداقل یک سطح با انتزاع بالاتر) ترسیم گردد. هر کدام از مضامین سازمان‌دهنده- که می‌توان از آنها زیر نام رویکرد تبیینی یاد کرد- به لحاظ فراوانی و میزان تأکید واحدهای تحلیل بدین شیوه اولویت‌بندی می‌شوند:

(۱) **انقلاب و اثر عارضی شکل‌گیری دولت دینی:** ناکامی دولت دینی در انجام برخی از مأموریت‌ها و آرمان‌ها در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، تمامیت‌خواهی برخی از نمایندگان قرائت رسمی دین، میل به نمایش دین و در پایان اثر عارضی وقوع انقلاب اسلامی (نیاز به هویت‌سازی و حساسیت‌آفرینی نزد بدیل‌ها) اجزای متشکله‌ی این رویکرد تبیینی هستند. تضعیف پایگاه و ضریب نفوذ گفتمان رسمی دین‌داری و فساددهی به سایر گونه‌های دین‌داری، ره‌آورد چنین جایگاهی است.

(۲) **اثرات عارضی روندهای فرهنگی- اجتماعی:** گوناگونی زمینه و منشأ هویتی ایرانیان (با توجه به

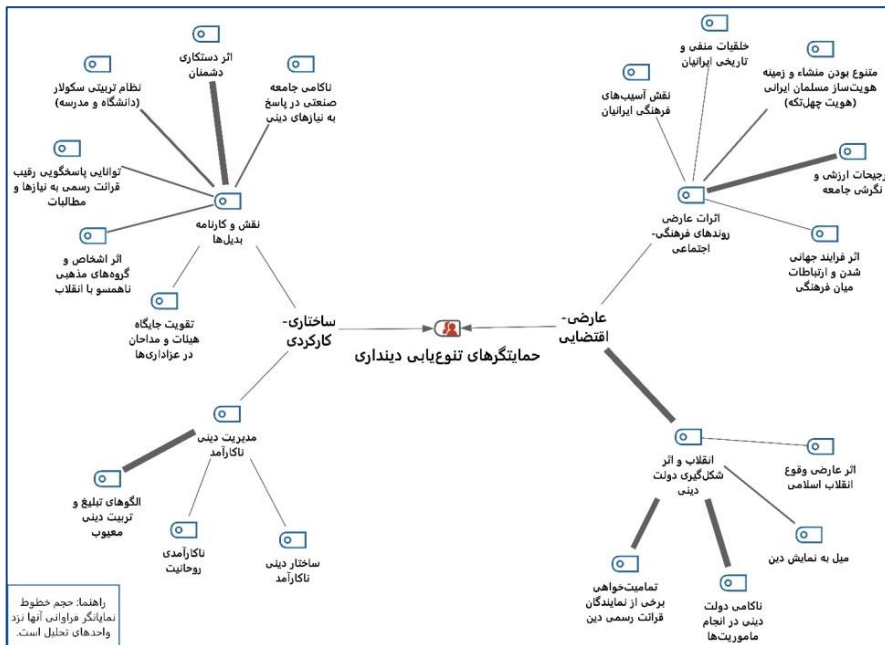


ارتباط دین‌داری با رسوبات فرهنگی فضای زیستی)، اثر فرآیندهای جهانی شدن و ارتباطات میان فرهنگی، ترجیحات ارزشی و نگرشی متنوع ایرانیان، خلیقات منفی و تاریخی ایرانیان (مثل باطن‌گرایی) و نقش آسیب‌های فرهنگی ایرانیان (ضعف فرهنگ رواداری، فقر مطالعه، آسیب‌های مرتبط با خانواده) با شکل‌دهی به رویکرد اثرات عارضی روندهای فرهنگی - اجتماعی در تنوع‌یابی دین‌داری‌های ایرانیان کارایی دارند.

۳) نقش و کارنامه‌ی بدیل‌ها: دستکاری دشمنان در چگونگی دین‌داری‌ها، نظام تربیتی سکولار، تقویت جایگاه هیئات و مداحان، اثر اشخاص و گروه‌های مذهبی ناهمسو با انقلاب، توانایی پاسخگویی قرائت رسمی به نیازها و مطالبات و ناکامی جامعه صنعتی در پاسخگویی به نیازهای دینی، رویکرد نقش و کارنامه بدیل‌ها را برای تبیین تنوع‌یابی دین‌داری‌ها فراهم می‌کنند.

۴) مدیریت دینی ناکارآمد: هم‌سو با این رویکرد، ناکارآمدی نهادهای دینی، الگوهای تبلیغ و تربیت دینی معیوب در کنار ناکارآمدی روحانیت در هدایت پیروان دینی به قرائت‌های غیررسمی از دین نقش به‌سزایی دارند.

شبکه مضمونی تنوع‌یابی دین‌داری ایرانیان



بحث و نتیجه‌گیری

هم‌سو با چارچوب نظری؛ تعاطی بین جایگاه‌های اجتماعی و کنشگران دینی به پیدایی مجموعه‌ها

و الگوهای گوناگون دینی می‌انجامد. به این معنا؛ نظامات معنایی، زبان و الگوهای نگرشی در تعاطی با جایگاه‌های اجتماعی تبیین‌گر موضوع هستند؛ بنابراین، فهمی که افراد نسبت به منابع معنایی دین و دین‌داری، بدیل‌ها، روندها و دگرگونی‌ها دارند؛ منشأ تنوع‌یابی‌ها در الگوهای دین‌داری شمرده می‌شوند. در پژوهش کنونی انبوهی از تبیین‌گرهای هجده گانه در دو بعد (۱) عارضی - اقتضایی و (۲) ساختاری - کارکردی با ایجاد فضای حمایت‌گر تنوع‌یابی به قوام و دوام «دین‌داری‌ها» از یک سو و تقویت گونه‌های غیررسمی دین‌داری‌ها از سوی دیگر یاری می‌رساند. در چنین فضای حمایت‌گری، کنشگران ایرانی زیر الگوهای گوناگونی از دین‌داری‌ها سامان یافته و صورت‌بندی می‌شوند؛ بنابراین هم‌سو با الگوی تبیینی و همچنین با لحاظ ابعاد الگوی احصا شده، پیشنهادها بایستی پیوند محتوایی به فضای تبیین داشته باشند. پیشنهادهایی که از یک سو به تقویت (یا فعال‌سازی) جذابیت‌های گفتمان دین‌داری رسمی می‌انجامد و از سوی دیگر پیامدهای منفی و واگرایانه گفتمان‌های غیررسمی دینی را مهار کرده یا کاهش دهد.

ایجاد چنین بستر و زمینه‌ای در گرو پیگیری راهبردها و راهکارهایی است که پیرامون چهار سیاست دینی پیشنهاد می‌شوند:

سیاست‌ها	راهبردها	راهکارها
	کارآمدسازی فعالیت نهادهای فرهنگی	یکپارچه‌سازی تمامی نهادهای متولی دین‌داری تحت وزارت دین بهبودبخشی نظام توزیع منابع انسانی با لحاظ مقتضیات میدان تقسیم کار دینی بین نهادها و کارگزاران دخیل نظارت‌پذیری فعالیت نهادها اجتناب از نهادسازی فزاینده و اقدامات صوری بودجه‌بر حذف بسیاری از سازمان‌های بودجه‌بگیر دینی رصد و ایجاد بانک اطلاعاتی از نیروها و مروجان کارکردی کردن فعالیت‌های سازمان‌های دینی
بهبودبخشی نظام مدیریت دینی	تقویت بعد پژوهشی دین	لحاظ کردن سنجه‌های اخلاقی و عملکردی در برآورد کنشگری نهادها همکاری و تقویت تعامل با مراکز علمی و مذهبی داخلی و خارجی بهره‌گیری از دستاوردهای جدید علوم انسانی پشتکار برای پژوهش‌های دینی روش‌مند پشتکار برای مطالعه‌ی دین در مقام تحقق یا دین عینیت یافته در گستره‌ی اجتماع با رویکردهای جامعه‌شناختی رصد میزان پشتکار جامعه به ابعاد دین‌داری
	بازنگری در رویکردهای دینی حاکم	پیش‌قدمی و حساسیت نخبگان دینی در برابرسازی چشمداشت افراطی از دین، پذیرش علم و ظرفیت‌های آن برای اداره جامعه و تکثرگرایی رویکرد حمایتی از جمهوری اسلامی رویارویی جدی با عرفان‌های نوپدید و منابع شبه‌دین



سیاست‌ها	راهبردها	راهکارها
		<p>پالودن فضای حوزه از جریان سکولاریسم</p> <p>تقویت فقه اکبر و فقه اجتماعی</p> <p>برگرداندن موازنه بین مداح و واعظ در مجالس</p> <p>انعطاف‌پذیری و اتخاذ سیاست مدارا در قبال اقلیت‌ها و دین‌داری‌ها</p> <p>خوانش متعادل از دین با لحاظ همه‌ی ابعاد دین‌داری</p>
	<p>کیفیت‌بخشی به حوزه‌های علمیه</p>	<p>اولویت‌دهی به گسترش دین تا کارهای تخصصی و پژوهشی</p> <p>کیفیت‌بخشی به فرآیند جذب و به کارگیری افراد مستعد و اندیشمند</p> <p>رویاریوی بهنگام و خردورزانه با مسائل مستحدثه</p> <p>پشتکار جدی به رعایت اقتضائات زمان و مکان در فتاوی‌های دینی</p> <p>اصلاح نظام اجتهاد و مرجعیت‌گزینی</p> <p>شناخت کانون‌های مروج ضد دینی و مدیریت آنها</p> <p>جدیت در خرافه‌زدایی از دین و تصحیح قرائت‌های ناصواب</p> <p>بروزرسانی شیوه‌ها و منابع آموزش دین ملتند بهره‌گیری از شیوه‌های تبلیغ غیرمستقیم و پویاسازی گنجایش رسانه و هنر</p>
	<p>بازنگری در نقش اجتماعی دین</p>	<p>پرهیز دولت از تصدی‌گری دین</p> <p>عدم پشتیبانی از قرائتی و رقابتی کردن فضا برای بقای نهادهای فرهنگی</p> <p>پذیرش و عدم تکفیر گونه‌های دین‌داری‌ها به دست دولت</p> <p>حضور دین در امور مرتبط با قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری</p> <p>بسیج کردن سیاست برای دین (نه برعکس)</p> <p>عقب‌نشینی از سیاست مرزبندی‌ها و دیگری‌سازی</p>
	<p>ورود اخلاقی و عقلانی به بازار دین و پرهیز از سرکوب</p>	<p>برجسته‌سازی بعد اخلاق اجتماعی دین</p> <p>تقویت عقلانیت و برجسته نمودن زبان استدلال</p> <p>عدم بهره‌گیری از روش‌های تبعیض‌آمیز</p>
<p>بازتنظیم نسبت بین دولت و دین</p>	<p>انحصار شکنی‌های گفتمانی و فزادگی به آلت‌رناتیوهای مهار شدنی</p>	<p>پاسداشت فضای سالم زیست و گفتگو بین قرائت‌ها</p> <p>مقابله با نفوذ و تحریک برخی از جریان‌های دینی به دست دشمنان</p> <p>ایجاد فضای رسانه‌ای برای طرح گفتگوهای دینی از سوی طرفین</p> <p>ایجاد فضای نقد و گفتگو بین طرفداران قرائت‌های دینی در زیستگاه علمی</p> <p>افزایش رواداری در قبال سایر خوانش‌ها و فرقه‌ها</p> <p>پذیرش جریان‌های سیاسی برآمده سنت‌های دینی</p> <p>به رسمیت‌بخشی رقابت رسانه‌ای و دادن امتیاز صدواوسیمای خصوصی</p>
	<p>اجتماعی کردن دین و پرهیز از تبلیغ مستقیم و ظاهری دین</p>	<p>واسپاری اقدامات دینی به اهالی دین و حوزه‌ی علمیه</p> <p>استقلال دین و مردمی دیدن آن</p> <p>پرهیز از واداشتن و تحکم برای انتخاب و فعالیت دین</p> <p>برگرداندن نقش پناهگاهی به دین</p> <p>پرهیز دولت از دخالت مستقیم در امور دینی مردم</p>

سیاست‌ها	راهبردها	راهکارها
آسیب‌زدایی موانع فرهنگی دین	اتخاذ رویکرد خانواده‌محوری در تربیت دینی	افزایش حساسیت زنان در تربیت دینی فرزندان
	چاره‌جویی جدی در خصوص خلیقات منفی ایرانیان	ساماندهی صنعت فرهنگ و مرتبط‌سازی این صنعت با مخاطبان
تقویت کارایی دولت دینی و افزایش مقبولیت نهادهای دولتی	بازنگری در سیاست هویت	پرهیز از استعمار ایرانیت و به دست اسلامیت برجسته کردن منافع و فرهنگ ایرانی در تعریف هویت ملی شناسایی راستین اقلیت‌ها و فزادگی به مشارکت آنها در جامعه تأکید متعادل به هویت اسلامی و ایرانی
	عمل‌گرایی و تقویت کارآمدی	حذف معیارهای دینی در توزیع سرمایه و مناصب تقویت اعتماد نهادی نزد جامعه اخلاقی کردن سیاست شفاف‌سازی و عادلانه نمودن تولید، توزیع و مصرف منابع
	مردمی نمودن اداره جامعه و نظارت بر آن	قانون‌گرایی انتخابی و مشروع شدن نظارت‌ها و برنامه‌ها برون‌سپاری وظایف تقویت اتحادیه‌ها، اصناف شبکه‌های مردمی در امور اجتماعی و فرهنگی



منابع

۱. ارزیابی استراتژیک از مقوله دین‌گریزی، گفتگو با لطف‌اله میثمی، *بازتاب اندیشه*، اسفند ۱۳۷۹، شماره ۱۲، ص ۴۰.
 ۲. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۱). مبنای ساخت مدل برای سنجش دین‌داری. *مجله روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۷ (۶۸).
 ۳. حسن‌پور، آرش و معمار، ثریا (۱۳۹۴). مطالعه‌ی وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دین‌داری خودمرجع. *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۳، دوره هشتم.
 ۴. ساوجی، محمد (۱۳۸۹). چهارچوب نظری تحلیل در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی. *علوم سیاسی*، شماره ۱۰.
 ۵. مانهایم، کارل (۱۳۵۵). *ایدئولوژی و اوتوپیا*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۶. انوری، محمدرضا (۱۳۹۰). نقد و بررسی نظریه کنش متقابل نمادین، معرفت، شماره ۱۶۷.
 ۷. مطیع، ناهید (۱۳۷۰). مکتب کنش متقابل نمادی، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۷.
 ۸. عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، دوره ۵، شماره ۲.
 ۹. ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۸۸). رابطه‌ی میزان دین‌داری با نوع دین‌داری. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۹.
 ۱۰. ریترز، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
 ۱۱. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
12. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.